فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی
Human Sciences Research Journal
دوره چهارم، شماره ۳۱، زمستان ۱۳۹۹، صص ۱۸-۱
New Period 4, No 31, 2021, P 1-18
شماره شاپا (۲٤۷٦-۷۰۱۸) ISSN (2476-7018)

اجرای آراء داخلی و خارجی در قانون داوری تجاری بین‌المللی و کنوانسیون نیویورک

روح انگیز باقری
کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

چکیده
داوری یکی از موفق‌ترین روش‌های حل‌وفصل اختلاف، به ویژه در روابط تجاری بین‌المللی است. این روش غالباً بر مبنای توافقی است که از طریق آن، طرفین داوری را به عنوان روش حل‌وفصل اختلاف خود برمی‌گزینند. چنین توافقی به صورت درج شرط داوری در قرارداد و یا انعقاد یک موافقت نامه ی داوری صورت می گیرد که هر دو نوع، «قرارداد داوری» نامیده می‌شود. امروزه برخلاف سابق، کشورها به ویژه کشورهای پیشرفته، با داوری به عنوان شیوه حل اختلاف، نظر مساعد دارند و قوانین بسیاری از این کشورها برای تسهیل داوری، در چند دهه اخیر اصلاح شده و در برخی از کشورها رویه قضایی در این جهت تکامل یافته است از طرف دیگر سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی نیز با تدوین پروتکل‌ها و معاهدات متعدد سعی در تشویق کشورها و بازرگانان به حل و فصل اختلافات خود از طریق داوری نموده‌اند. در این پژوهش با توجه به روش تحقیق به صورت توصیفی – تحلیلی به بررسی اجرای آراء داخلی و خارجی در قانون داوری تجاری بین‌المللی پرداخته شده است. از این رو با توجه به قوانین داوری تجاری بین‌المللی تمامی ابعاد اجرای آراء داخلی و خارجی مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفت.

واژه‌های کلیدی: داوری، داوری تجاری بین المللی، آراء داخلی و خارجی

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

۱) مقدمه:

امروزه داوری به عنوان اصلی‌ترین و مهمترین مکانیسم حل‌وفصل اختلافات در روابط تجاری گردیده است.[۱] و بازرگانان برای رهایی از مشکلات مراجعه به دادگاه‌های این مکانیزم را مورد استقبال قرار داده و به دلیل پیدا سازمانها و کمیته های مختلف حالت نهادی به خود گرفته است[۲] و بصورت داوری‌های داخلی، خارجی و بین‌المللی مباحث و مقررات خاصی را به خود اختصاص داده است.

شناسایی و اجرای آراء اهمیتی فوق العاده برای موفقیت در عرصه بین‌المللی محسوب می‌گردد. شاهد بارز این امر آن است که قابلیت اجرای آراء در سطح جهانی یکی از مزایای اصلی داوری است؛ جز در صورتی که طرفین اطمینان یابند که در پایان رسیدگی داوری خواهند توانست چنانچه رأی داوری داوطلبانه مورد تبعیت قرار نگیرد آن را به اجرا بگذارند، رأیی که به نفع آنها صادر شده طبلی تو خالی خواهد بود که به هزینه‌ای گزاف به دست آمده است. به علاوه، درجه و ضریب بالای تبعیت اختیاری و داوطلبانه از رأی هم به خاطر وجود نظام کارآمد اجرای آراء در صورت عدم تبعیت است. شناسایی رأی، فرایندی در دادگاه ملی است که به تصمیمی قضایی منتهی می گردد که اغلب روانامه خوانده می‌شود. این رسیدگی‌ها در بسیاری از موارد کامل و تمام عیار نیست بلکه رسیدگی‌های اختصاصی است که رأی را تأیید می‌کند. روانامه وجود داوری را مورد تصدیق قرار می‌دهد و تصمیم هیأت داوری را به رسمیت می‌شناسد. شناسایی به عنوان فرایندی دفاعی توصیف شده است که به منزله سپر عمل می‌کند.[۳]

به لحاظ نظری، شناسایی و اجرا از این لحاظ اهمیت دارد که شناسایی رسمی فرایند داوری و تأیید محصول آن را فراهم می‌آورد. عملی خصوصی با عملی عمومی که همان رأی دادگاه دولتی است توانمد می‌شود. به لحاظ شناسایی و اجرا باید میان آراء خارجی تفکیک نهاد. در حالی که اجرای آراء داخلی فقط با قوانین ملی داوری تنظیم می‌شود، آراء خارجی عمدتاً بر اساس کنوانسیون نیویورک به اجرای در می‌آیند. در پی تلاش‌های شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل متحد کنوانسیون نیویورک راجع به شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی، نه آراء داوری بین‌المللی، پا به عرصه وجود گذاشت و در دهم ژوئن ۱۹۵۸ به تصویب کشورهای عضو رسید و مقررات مخالف این معاهده نسخ شده و اغلب کشورهای جهان به آن ملحق گردیده اند و از جمله اسناد بین‌المللی است که در زمینه داوری به منظور توسعه یک روش منصفانه و مؤثرحل اختلافات بین المللی با مشارکت سازمان ملل متحد تدوین شده است این

---

۱. جنیدی، لعیا، نقد و بررسی تطبیقی قانون داوری تجاری بین‌المللی، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۱۱۵

۲. انصاری، دکتر باقر، درآمدی بر مکانیزم‌های حل و فصل اختلافت تجاری بین المللی، مجله حوزه ودانشگاه، سال ۱۱ شماره ۴۴، ص ۱۳۸۴، ص ۷۳

۳. حبیبی مجنده، محمد، داوری تجاری بین المللی تطبیقی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه مفید، ۱۳۹۱، ص ۶۸۹

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

کنوانسیون مورد قبول عام کشورهای جهان بوده و موجب پیدایش یک نظام یکنواخت شناسایی و اجرا برای آراء داوری خارجی گردید.

۲) تفکیک میان شناسایی و اجرای آراء داوری

لازم به اشاره است که خط‌مشی و سیاستی بین‌المللی به سود اجرای آراء به چشم می‌خورد. جز در موارد استثنایی، یافتن "داستان‌های غمبار" عدم اجرا در پرونده‌های منتشر شده روز به روز نادرتر می‌شود.[۱] در واقع مطابق یک گزارش، [۲]در سال ۱۹۹۶ بیش از ۹۵٪ مواردی که درخواست اجرای رأی وجود داشته دادگاه‌ها آراء را اجرا کرده‌اند. در تحقیق دیگر، رقم اجرای داوطلبانه یا اجرا توسط دادگاه‌های دولتی ۹۸٪ است.[۳]این وضع نتیجه هماهنگ‌سازی قواعد مربوط به شناسایی و اجرا در کنوانسیون نیویورک و پذیرش گسترده آن از سوی تعداد زیادی از کشورهاست.[۴]

در موارد محدود، ممکن است رأی با اعمال فشارهای مستقیم یا غیرمستقیم تجاری یا غیر تجاری اجرا شود.[۵]در رویه اتحادیه تجارت غله و مواد غذایی نمونه‌هایی از این موارد می‌توان یافت. قواعد داوری اتحادیه مقرر می‌دارد که اگر یک طرف از تبعیت از رأی داوری اتحادیه سرپیچی کرد، شورای اتحادیه می‌تواند اطلاعیه ای توزیع کند و اعضای اتحادیه را در جریان امتناع از اجرای رأی قرار دهد.

در همه موارد دیگر، اجرای آرای داوری که به طور داوطلبانه مورد تبعیت قرار نگرفته تا حد زیادی خارج از حوزه هیئت داوری است. با آن که هیئت داوری ممکن است همه تلاش خود را به خرج دهد تا رأیی قابل اجرا صادر نماید (چنان که برخی قواعد داوری همچنین مقرر می‌دارند)،[۶]شناسایی و اجرای آراء جزء اختیارات قهری دادگاه‌ها است. اکثر قواعد داوری مقرر می دارند که طرفین با ارجاع اختلاف خود به داوری متعهد می‌شوند رأی را بدون تأخیر اجرا کنند.[۷]با این حال، نه هیئت داوری و نه نهادهای داوری وسیله و ابزار اجرا در اختیار ندارند.

---

1. See, e,g, lamm and Hellbeck, The Enforcement of Foreign Arbitral Awardls under the NewYork Convention: Recent Developments", international arbitration (2002) 138

2. Van den Berg, "The New York Convention: lis intended Effects. Its Interpretation, Salient !Are" in Blessing, The New York Convention of 1958, Swiss Arbitration Association Special Series, no 9 (1996), p 25

3. Kerr, "Concord and Conflict in International Arbitration", international arbitration (1997), p 129

4. See de Boisson. "Entonenient in Action: Hauntonization Versus Unification", Illinois Chess Coaches Association Cless Series 109. (1987) 593

۵. حبیبی مجنده، پیشین، ص ۶۹۰

۶. ماده ۳۵ قواعد اتاق بازرگانی بین المللی و ماده ۳۲(۲) دیوان داوری بین المللی لندن

۷. ماده ۳۲(۲) قواعد آنسیترال؛ ماده ۱۱۲۷) انجمن امریکایی داوری؛ ماده ۳۲(۲) مرکز منطقه ای قاهره؛ ماده ۲۸(۶) اتاق بازرگانی بین المللی؛ ماده ۲۶(۹) دیوان داوری لندن؛ بند ۴۴ مرکز داوری مسکو؛ ماده ۵۱ مؤسسه داوری هلند؛ ماده ۳۶ موسسه استکهلم؛ ماده ۶۴ وایپو.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

در نتیجه، در مرحله شناسایی و اجرا، داوری و طرفین اغلب حوزه خصوصی را که در آن عمل می کردند ترک می‌گویند. طرف برنده به همان شیوه‌ای که طرف بازنده در پی استمداد از دادگاه برمی‌آید تا مانع اجرای رأی شود از دادگاه درخواست مساعدت می‌کند. شناسایی و اجرای آراء خارجی به ویژه زمانی که قوه قهری دادگاه‌های دولتی برای اجرای رأی توسط محکوم علیه لازم است از نظر عملی ضرورت می‌یابد. چنانچه محکوم علیه از رأی تبعیت نکند، بدون توسل به قوه قهری دولت که معمولا توسط دادگاه‌ها اعمال می شود امکان اجرای رأی وجود ندارد.

در اکثر موارد، اجرای رأی شناسایی آن را مفروض می گیرد و این دو اصطلاح چنان می نماید که در هم تنیده‌اند. علت این امر از جهتی این است که کنوانسیون نیویورک و سایر مقررات ذی ربط از "شناسایی و اجرا" یاد می‌کنند. به طور کلی، وقتی رأی اجرا می شود مورد شناسایی هم قرار می‌گیرد. البته ممکن است مواردی باشد که رأی مورد شناسایی قرار گیرد ولی اجرا نشود. در نتیجه، می توان میان شناسایی و اجرا تفکیک نهاد.[1]

شناسایی می‌تواند هنگامی سودمند باشد که طرف بازنده اقدام به طرح دعوا به خاطر موضوع یا همه موضوعات رسیدگی شده در رأی داوری می‌کند. شناسایی رأی، مانع از جریان رسیدگی در دادگاه نسبت به امور رسیدگی شده در رأی خواهد شد. شناسایی ممکن است به دلایل مالیاتی یا مالی هم مفید باشد؛ یکی از طرفین شاید بخواهد به این دلیل رأی مورد شناسایی قرار گیرد که دلیل بدهی با طلب باشد.

اجرا معمولاً فرایندی قضایی است که با همزمان با شناسایی یا به دنبال آن صورت می‌گیرد و به مأموریت و وظیفه رأی ترتیب اثر می‌دهد. اجرا می‌تواند به مثابه شمشیر عمل کند از این جهت که طرف برنده از دادگاه درخواست مساعدت می کند تا با اعمال قدرت خود و به کار گیری ضمانت اجراهای قانونی در صورت عدم تبعیت یا خودداری از تبعیت داوطلبانه طرف دیگر، رأی را به اجرا در آورد. نوع ضمانت اجراهایی که در اختیار دادگاه قرار دارد از کشوری به کشور دیگر تفاوت می‌کند و ممکن است شامل توقیف اموال محکوم علیه، مسدود کردن حساب‌های بانکی یا حتی در موارد حاد، حکم توقیف شخص شود.

۳) رژیم اجرای آراء داخلی

مقررات ملی برای اجرای آراء داخلی اهمیت زیادی برای داوری بین‌المللی دارد. اغلب، آراء منبعث از رسیدگی داوری بین‌المللی در واقع بر اساس رژیم مربوط به آراء داخلی اجرا می‌شوند. هر چند هر دولتی آزاد است مشخص کند چه آرائی را داخلی محسوب می‌کند، معیار ذیربط معمولا محل داوری است. از

1. Mark Dallal Islamic Republic of Iran, and, Bank Mellat (formerly International Bank of Iran), Case No. 149 : Award No. 53-149-1 of 10 1986, NO1, pp 547,553

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

این رو، شناسایی و اجرای آراء صادره در داخل کشور معمولا تابع مقررات مربوط به آراء داخلی است؛ صرف‌نظر از این که داوری منشأ رأی، خصلت ملی یا بین‌المللی داشته باشد.

قانونگذار ملی معمولا در تنظیم نحوه شناسایی و اجرای آراء داخلی آزاد است. هیچ کنوانسیون بین‌المللی وجود ندارد که ضابطه‌ای حداقلی همانند آنچه در مورد آراء خارجی وجود دارد وضع کند. البته، به طور کلی، قوانین ملی در مورد آراء داخلی هم رویکردی به نفع اجرا اتخاذ کرده اند. مقررات ذی ربط نوعا تصریح می‌کنند که آراء داخلی باید همانند رأی دادگاه مورد شناسایی و اجرا قرار گیرند و البته دلایل بسیار معدودی هم برای امتناع از اجرا ذکر می کنند.

در واقع، آراء داخلی اغلب به طور خودکار شناسایی می شوند به نحوی که هر گونه تصمیم در زمینه شناسایی فقط خصلت اعلامی دارد. در این موارد، رسیدگی در دادگاه فقط برای اجرای رأی ضرورت دارد.

از این تفاوت که بگذریم، مقررات مربوط به شناسایی و اجرا اغلب بازتابی از مقررات مربوط به آراء خارجی است. البته پاره‌ای تفاوت‌ها ممکن است در زمینه شرایط شکلی شناسایی و اجرا وجود داشته باشد. قوانین داوری گاه شرایط سهل‌تری برای آراء داخلی در مقایسه با آراء خارجی وضع می‌کنند. به طور مثال در قانون آلمان چنین است و بخش ۱۰۶۴ (۱) قانون آیین دادرسی مدنی فقط تسلیم نسخه‌ای از رأی را برای اجرا لازم می‌دارد.[1]

همچنین در مورد علل و موجبات امتناع از شناسایی و اجرا هم تفاوت‌های کمی وجود دارد. مقررات مربوط به آراء داخلی ممکن است سهل‌تر باشد؛ مثلا، در هلند فقط به دلایل نظم عمومی می‌توان از اجرای رأی خودداری کرد. این مقررات اغلب سخت‌گیرانه‌تر هم هست. به عنوان مثال، بر اساس قانون ایتالیا، آراء داخلی می‌توانند به دلیل آن که بعد از انقضای مهلت ذیربط صادر شده‌اند یا فاقد دلایل صدور هستند یا مقر داوری را ذکر نمی‌کنند، مورد اعتراض قرار گیرند. در مورد اجرای رأی خارجی علل و موجباتی از این دست وجود ندارد.[2]

در صورتی که از شناسایی و اجرای رأی داخلی خودداری شود، این امر ممکن است به طور خودکار موجب ابطال رأی شود." ابطال رأی در این موارد نتیجه منطقی این واقعیت است که علل امتناع از شناسایی و اجرای رأی اغلب همان علل توجیه کننده اعتراض به رأی بوده و دادگاه های رسیدگی کننده به دعاوی اعتراض و اجرا یکی هستند.

---

1. Kill , "Recognition and Enforcel) Merit of Freigin Arbitral Awards in Genriiuty ". International Arbitration Law Review, 160 (2002), p 161

۲. خزایی، حسین، شناسایی و اجرای احکام داوری بین المللی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۳۹، ۱۳۷۷، ص ۶۶

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

برغم این تفاوت‌ها، رژیم اجرای آراء داخلی عموما تا حد زیادی شبیه رژیم اجرای آراء خارجی است. دست کم در کشورهای متعاهد کنوانسیون نیویورک غالبا وضع به همین منوال است، چرا که ماده ۳ بر این تعهد تصریح می‌کند که مقررات اجرای آراء خارجی نمی‌تواند در اساس سخت‌گیرانه‌تر از مقررات مربوط به آراء داخلی باشد.

٤) شناسایی و اجرای آراء خارجی

لازم به اشاره است که دولت خارجی علاقه بیشتری به شناسایی و اجرای رأی دادگاه کشور دیگر در قیاس با رأی صادره از داوران خصوصی که اختیار خود را از توافق طرفین اخذ کرده‌اند، خواهد داشت. اما واقعیت این است که اجرای رأی داوری نسبت به رأی دادگاه خارجی بسیار آسان تر است. این امر مدیون ویژگی منحصر به فرد کنوانسیون نیویورک و منطق دوگانه آن است که اجرای آراء داوری خارجی را ساده تر می کند و قواعد ملی مربوط به اجرا را هماهنگ می سازد. در مقابل، سند بین‌المللی مشابهی در خصوص اجرای آراء محاکم خارجی وجود ندارد. با آن که چندین کنوانسیون منطقه‌ای و دوجانبه وجود دارد، این شبکه پیچیده کنوانسیون‌ها، بسیاری از نظام‌های قضایی را تحت پوشش نمی‌گیرد؛ به طور اخص، ایالات‌متحده عضو هیچ موافقت نامه چند جانبه مربوط به اجرای آراء دادگاه‌های خارجی نیست.

کنوانسیون نیویورک ستون اصلی رژیم بین‌المللی اجرای آراء داوری خارجی را تشکیل می‌دهد. به علاوه، چند کنوانسیون بین‌المللی دیگر[1] و معاهدات دوجانبه هم اجرای آراء داوری خارجی را پیش‌بینی می‌کنند. این تعهدات ناشی از حقوق بین‌الملل عمومی غالبا با مقررات خودسامان قانون ملی داوری که اجرای آراء داوری خارجی را مقرر می‌دارند تکمیل شده است.

٤-١) کنوانسیون نیویورک

با رونق چشمگیر تجارت بین المللی در قرن بیستم، نیاز به تمهید یک مکانیسم مناسب حل و فصل اختلاف، به صورت یک واقعیت انکارناپذیر بروز کرد و همین واقعیت چنان خود را بر آرمانهای ملی مربوط به تحکیم و تقویت حاکمیت قضایی تحمیل نمود که بدبینی فراگیر نسبت به داوری، در مدتی نه چندان طولانی جای خود را به استقبال عام از این شیوه حل و فصل اختلاف، به ویژه در زمینه اختلافات تجاری بین المللی داد. اولین انعکاس قابل توجه این واقعیت در انعقاد پروتکل ژنو ۱۹۲۳ در زمینه شروط داوری و کنوانسیون ژنو ۱۹۲۷ در مورد اجرای آرای داوری خارجی دیده می‌شود. علی رغم نکات قوت موجود، نقاط ضعف آشکار این معاهدات، اندیشه تکامل نظام حقوقی حاکم بر این مکانیسم حل اختلاف را در مراجع و نهادهای دیگر با موضوع، تقویت کرد و به ویژه اتاق بازرگانی بین‌المللی را بر آن داشت که در

۱. کنوانسیون واشنگتن، ۱۹۶۵ (شناسایی و اجرای احکام داوری)

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

تدارک کنوانسیونی برای بهبود وضعیت اجرای آرای داوری صادره در اختلافات تجاری بین‌المللی باشد. نهاد مزبور بدین منظور طرح کنوانسیون ناظر به شناسایی و اجرای آرای داوری بین‌المللی را به سال ۱۹۵۳ تهیه و به شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل تقدیم نمود. عدم آمادگی بیشتر کشورهای جهان برای پذیرش داوری و رأی بین‌المللی مستقل از هرگونه نظام حقوق ملی و به تبع، احتمال عدم اقبال عمومی نسبت به چنین کنوانسیونی، شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل را وادار به ارائه طرح کنوانسیون دیگری در زمینه اجرای آرای داوری خارجی و نه بین‌المللی و ارسال آن کشورها و سازمان‌های بین‌المللی و غیردولتی جهت کسب نظرات، اصلاحات و پیشنهاهای احتمالی کرد. پس از جمع‌آوری توصیه‌ها و پیشنهادات، شورای مزبور اقدام به تشکیل کنفرانس موعد از تاریخ بیستم مه تا دهم ژوئن ۱۹۵۸ در نیویورک نمود.[۱]

کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک یکی از کنوانسیون‌های بین‌المللی است که بیشترین مقبولیت را کسب کرده و رژیم ایجاد شده در کنوانسیون ۱۹۲۷ ژنو را به طور اساسی بهبود بخشیده است. این کنوانسیون به طرز چشمگیری اجرای آراء داوری خارجی را تسهیل نموده و قواعد ملی اجرای این آراء را هماهنگ کرده است. کنوانسیون نیویورک بسیار مورد ستایش قرار گرفته و ستون استوار عمارت داوری بین‌المللی[۲] و نیز موثرترین مصداق از قانونگذاری بین‌المللی در تاریخ حقوق تجارت خوانده شده است. در بیست سال گذشته تعداد کشورهای عضو کنوانسیون نیویورک افزایش شدیدی یافته است. در ژانویه ۲۰۰۳، این تعداد بالغ بر ۱۳۳ کشور بود که از آلبانی تا زیمبابوه را در بر می گرفت. به همین دلیل، تعداد طرف‌هایی که خواهان اجرای آراء داوری خارجی مطابق مفاد کنوانسیون بوده اند نیز افزایش داشته است.[۳]

ماده ۳ کنوانسیون نیویورک با صراحت مقرر می‌دارد که هر کشور متعاهد آراء داوری را الزامی خواهد شناخت و آنها را مطابق قواعد آیین دادرسی سرزمینی که رأی در آن مورد استناد قرار گرفته اجرا خواهد کرد. به علاوه، ماده ۳ لازم می‌دارد که رأی خارجی بدون تشریفات غیر ضروری با هزینه های گزاف قابل اجرا باشد و شرایط اجرا نباید سنگین‌تر از شرایط اجرای آرای داخلی باشد.

حاصل تلاش‌های کنفرانس نیویورک کنوانسیون فراگیر و جهانشمول نیویورک است که بی تردید، قبول عام خود را مرهون توجه خردمندانه به میزان آمادگی و نوع بینش کشورهای مختلف جهان در زمان انعقاد این کنوانسیون و جمع و تلفیق مصالح معارض و سرانجام اعمال اصلاحات کارآمد در معاهدات ژنو است. اهم این اصلاحات عبارتند از توسعه قلمرو و حذف شرط تفاوت تابعیت طرفین اختلاف یا تفاوت صلاحیت قضایی حاکم بر طرفین، حذف سیستم دستور اجرای دوگانه از طریق حذف شرط نهایی بودن

۱. جنیدی، لعیا، کنوانسیون نیویورک و رژیم اجرای آن، فصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۲، شماره ۱، ۱۳۹۰، ص ۵۵

2. Eiler. The Present status of the International Court of Arbitration in the ICC: An Appraisal, Rey International Arbitration Law Review, 91 (1990), 119

3. Mustill, "Arbitration: History and Backgroundinternational Arbitration No 43, (1989), p 49.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

رای و جایگزین کردن آن با شرط الزام آور بودن رای، تغییر بار دلیل از عهده درخواست‌کننده اجرا بر عهده معترض، جایگزین نمودن اصل حاکمیت اراده به جای حکومت قانون مقر بر ترکیب دیوان و آئین داوری، به دست دادن قاعده عام لزوم کتبی بودن قرارداد داوری در مورد شکل قرارداد، بجای ارجاع این امر به نظام‌های حقوق ملی و به تبع، بروز راه‌حل‌های متفاوت و رویه های متعارض، و بالاخره تعدیل در مبانی امتناع از شناسایی و اجرای رای. نه تنها الحاق بیش از دو سوم کشورهای جهان تصویر اجمالی از میزان اهمیت و موفقیت این کنوانسیون را نشان می‌دهد، آمار ارائه شده در کنفرانس موسسه داوری سوئیس، تصویر روشن تری از موفقیت عملی کنوانسیون نیویورک به دست می‌دهد. مطابق این آمار از بیش از هفتصد حکم صادره در افزون بر ۳۵ کشور متعاهد، دادگاه‌ها در بیش از نود و پنج درصد موارد آرای داوری را اجرا کرده‌اند.[۱]

۲-٤) قوانین ملی و قوانین نمونه

قوانین ملی داوری هم معمولا دربردارنده مقرراتی راجع به اجرای آراء داوری خارجی هستند. معدودی از این قوانین رژیم ملی واقعا مستقل و خودسامانی پیش‌بینی می‌کنند که انحراف زیادی از رژیم کنوانسیون نیویورک دارد. یک نمونه عبارت از فرانسه است که ابطال رأی در کشور مبدأ علت و موجبی برای امتناع از اجرای رأی به شمار نمی‌رود.[۲]

قوانین دیگر معمولا عین متن کنوانسیون‌های بین المللی ذی ربط را در خود جای می‌دهند و قواعدی شکلی برای اجرای ملی اضافه می‌کنند یا صرف مقرر می‌دارند که اجرای آراء خارجی تابع کنوانسیون نیویورک خواهد بود.

ماده ۳۶ قانون نمونه که علل و موارد امتناع از اجرای رأی توسط دادگاه دولتی را برمی‌شمارد، آیینه ماده ۵ کنوانسیون نیویورک است. از این مهمتر، شرط عمل متقابل به چشم نمی‌خورد؛ شرایط ذکر شده، ضوابطی حداکثری است و دولت‌ها را تشویق می‌کند شرایط حتی سهل تر و آسانتری در پیش گیرند.

قانون یکنواخت داوری اوهادو[۳]هم حاوی قواعدی برای اجرای آراء داوری است. طرفی که مایل است به رأی استناد نماید بایستی وجود رأی را بر مبنای همان شرایط مقرر در کنوانسیون نیویورک محرز سازد. در مواردی که رأی آشکارا مغایر نظم عمومی بین‌المللی کشورهای عضو است از شناسایی و اجرای رأی

1. van den Berg," The New York Convention: Its Intended Effects, Its Interpretation, Salient Problem Areas", The New York Convention of 1958, A Collection of Reports and Materials Delivered at the ASA Conferences Held in Zurich on 2 February 1996 , (ASA) Swiss Arbitration AssociationSpecial Series(1996), No. 9, p 25

2. Maischer , " Experience with Bilateral Treaties " , International Congress and Convention Association Congress Series no. See. 47. 452 ,9

3. Organization for the harmonization of business law in africa. See also www.ohada.com; mayer, ORGANIZATION FOR THE HARMONIZATION OF BUSINESS LAW IN AFRICA: droit larbirage (Bruyant 2002), 221 et seq

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

خودداری خواهد شد. که تصمیم قضایی مبنی بر عدم اجرای رأی فقط توسط دادگاه مشترک دادگستری و داوری قابل ابطال است. تصمیم قضایی مبنی بر موافقت با اجرای رأی تابع هیچ تجدیدنظری نیست.

۳-٤) رابطه میان رژیم‌های مختلف: ماده ۷ کنوانسیون نیویورک

کنوانسیون نیویورک حداقلی از شرایط شکلی برای اجرای آراء و ضوابطی حداکثری برای امتناع از اجرا وضع می‌کند. کنوانسیون کشورهای عضو را از محدودساختن علل و موجبات امتناع از اجرا که در ماده ۵ ذکر شده باز نمی‌دارد و به این طریق به آنان اجازه میدهد قانون مساعدتری برای داوری پدید آورند. به همین دلیل، ماده ۷ مقرر میدارد طرفی که می خواهد رأی را تأیید کند می‌تواند به حق مساعدتر برای اجرا استناد نماید. نمونه‌هایی از رژیم‌های مساعدتر برای اجرا را می‌توان در کنوانسیون‌های چند جانبه، معاهدات دوجانبه و قوانین خودسامان ملی برای اجرا پیدا کرد.

در مورد اجرای ماده ۷ دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. مطابق یک دیدگاه ماده ۷ به طرف‌ها اجازه می‌دهد میان رژیم‌های مختلف دست به انتخاب بزنند، ولی نه آن که به دلخواه این انتخاب را انجام دهند. دیدگاه دیگر این است که ماده ۷ به طرفین اجازه می‌دهد به مقررات مساعدتر استناد جویند؛ حتی در مواردی که تقاضای اجرا بر اساس کنوانسیون نیویورک صورت گرفته است. این دیدگاه دوم با خط‌مشی قطعی کنوانسیون در حمایت از اجرای رأی مطابقت دارد و همزیستی مقررات مساعدتر در قوانین ملی یا اسناد بین‌المللی را ممکن می سازد.

مقررات مساعدتر به خصوص در مورد آراء ابطال شده در کشور مبدأ رأی وجود دارد؛ مثلا، در فرانسه این امر به عنوان دلیلی مستقل برای امتناع از اجرا پذیرفته نشده است. کنوانسیون اروپایی هم این مبنا برای خودداری از اجرا را محدود می‌کند.

برغم عبارت‌های ماده ۷، فقط طرف متقاضی اجرا می تواند به این ماده استناد نماید. هدف کنوانسیون تسهیل اجرای آراء از طریق منظور داشتن تعداد محدودی از استثناها بر اجرای رأی است. چنانچه خوانده اجازه می‌داشت مبنایی برای اجرا که به حال وی مناسب‌تر و مساعدتر است بیابد ضابطه حداقلی کنوانسیون براحتی دور زده می‌شد.

۵) علل امتناع از اجرا

تعهد دادگاه ملی برای شناسایی و اجرای آراء داوری به نحو مقرر در ماده ۳ کنوانسیون نیویورک مقید به استثناهایی محدود است. فقط در صورتی می توان از شناسایی و اجرای رأی خودداری ورزید که طرفی که اجرا علیه وی خواسته شده بتواند ثابت کند که یکی از علل انحصاری امتناع که در بند ۱ ماده ۵ کنوانسیون

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

نیویورک ذکر شده رخ داده است. دادگاه در صورتی می‌تواند به ابتکار خود از اجرا امتناع ورزد که رأی ناقض نظم عمومی آن دولت باشد.[1]

تمام علل امتناع از اجرا را باید به نحو مضیق تفسیر و تاویل کرد؛ اینها استثناهایی بر قاعده کلی لزوم شناسایی و اجرای آراء داوری خارجی است. کنوانسیون ضوابطی حداکثری در این زمینه وضع می کند؛ به نحوی که دولت های متعاهد نمی توانند قوانینی تصویب کنند که علل دیگری برای امتناع از شناسایی و اجرا اضافه می کند. بررسی و نگاه مجدد به رأی در مرحله اجرا جز به هنگام طرح دفاع نظم عمومی محدود به موضوعات شکلی فهرست شده در بند ۱ ماده ۵ است. کنوانسیون اجازه بررسی مجدد ماهیت رأی را نمی دهد. و بالاخره باید تأکید کرد که بندهای ۱ و ۲ ماده ۵ لحن ترخیصی دارند. دادگاه می تواند ولی ملزم نیست در صورت تأمین شدن یکی از موارد استثناشده از اجرای رأی امتناع کند.

بنابراین، حتی در صورتی که یکی از علل فهرست شده که امتناع از اجرا را توجیه می کند توسط طرف مخالف اجرا اثبات شود، دادگاه باز در مورد اجرا دارای اختیار عمل است. دیوان عالی هنگ کنگ در تصمیمی به سال ۱۹۹۴ به شیوایی این مطلب را بیان کرده است: «. . . علل مخالفت با اجرا قرار نیست به صورت انعطاف ناپذیر اعمال شود. صلاحدید پابرجای دادگاه اجرا کننده به وی امکان می دهد در کلیه اوضاع و احوال به نتیجه ای عادلانه نائل شود.»[2]

البته در برخی کشورها کلمه "می‌تواند در ماده ۵ به معنای "باید" تفسیر شده است و در صورت وجود یکی از علل امتناع از اجرا هیچ اختبار و صلاحدیدی برای دادگاه‌ها باقی نمی‌ماند.[3]

اولین گروه از استثناها "حق رأی باخته بر داوری عادلانه را تقویت می کند. این موارد به صورت حصری در بند ۱ ماده ۵ کنوانسیون نیویورک بیان شده و به دادگاه‌های ملی اختیار می‌دهد رأی مخدوش با بی قاعدگی‌های شکلی را رد یا ابطال کنند. دادگاه‌ها حتی اختیار دارند چنانچه تصمیمات در امور ارجاع شده به داوری از امور ارجاع نشده قابل تفکیک باشد رأی را به صورت جزئی اجرا نمایند.[4]

۱-۵) بی‌اعتباری موافقت نامه داوری

بنابر مفاد این دو مقرره اصل بر صحت قرارداد داوری است مگر آنکه بطلان آن احراز شود. در نتیجه همین مقدار که قاضی موافقتنامه داوری را آشکار باطل نیابد کافی است که طرفین را به داوری رهنمون سازد. دلیل این امر آن است که وقتی طرفین به داوری مراجعه نمایند براساس ماده ۱۶ قانون داوری داور

1. Craig, "Some Trends and Developments in the Law and Practice of International Commercial Arbitration", 30 Texas Int'l LJI (1995),9

1. Hong Kong , supreme Court, 13 july 1994, China National Oil Joint service, International Commercial Arbitration, 2005, p 671

2. See Hong Kong, Supreine Court , 13 July 1994 , Childa Nitional Oil Joint Service Corp. 96

3. Holdings Co Ltd, (195) Yerba Buena Center for the Arts 671,677. Grininy, Binstrichiuslil 2 N\cuiller 20)()(), ZIP 227((2000) 2271

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

می‌تواند راجع به اعتبار موافقتنامه داوری نیز اتخاذ تصمیم کند یعنی داور موظف است احراز نماید که آیا شرط داوری صحیح یا باطل است و چنانچه داور براساس احراز صحت موافقتنامه حکم منقضی صادر کرد طرف متضرر اگر به اعتبار قرارداد داوری معترض باشد می‌تواند از قاضی دولتی ابطال حکم داوری را درخواست کند، قاضی در این مجال نیز فرصت خواهد یافت که اعتبار موافقتنامه را بررسی کند در هر صورت اگر قرارداد داوری فاقد یکی از شرایط شکلی یا ماهوی صحت آن باشد براساس بند ب ماده ۳۳ قانون داوری تجاری بین‌المللی و بند الف ماده ۵ کنوانسیون نیویورک قاضی دادگاه بنا به درخواست هر یک از طرفین در صورت احراز بی‌اعتباری نسبت به ابطال آن اقدام نماید لیکن کل مناقشه آن است که مناط اعتبار یا بی‌اعتباری موافقتنامه داوری کدام قانون است.

شق الف بند ۱ ماده ۵ در حقیقت در دفاع متفاوت در برابر اجرا پیش‌بینی می‌کند: فقدان اهلیت یکی از طرفین و بی‌اعتباری موافقتنامه داوری. دادگاه می‌تواند در صورت اثبات مورد زیر از اجرای رأی امتناع کند:

طرفین موافقتنامه مذکور در ماده ۲ مطابق قانون حاکم بر آنان از جهتی فاقد اهلیت بوده‌اند با موافقت‌نامه مزبور به موجب قانونی که طرفین موافقت نامه را تابع آن ساخته‌اند یا در صورت عدم تعیین قانون حاکم، به موجب کشوری که رأی در قلمرو آن صادر شده معتبر نباشد.

۱-۱-۵) فقدان اهلیت

یکی از انواع فقدان اهلیت به داوری‌هایی مربوط می‌شود که یک طرف آن دولت است و به دفاع مصونیت دولت استناد می‌نماید (گو این که این مسئله بیشتر به داوری پذیری شخصی ارتباط می‌یابد). مصونیت دولت به مواردی محدود است که دولت در کسوت و ظرفیت حاکمیتی خود عمل می کند در صورتی که دولت در حیات و فعالیت تجاری مشارکت جوید مصونیت قابل اعمال نیست. به علاوه، دولت همواره می‌تواند مصونیت خود را اسقاط کند. دادگاه عالی ایتالیا در پرونده مربوط به اجرا (با نقل نظر هیئت داوری به این مسئله تصریح کرده است: «. . . ما معتقدیم بر اساس قانون حاکم بر تجارت بین‌المللی که در قضیه حاضر لزوماً حاکم بر شرط داوری است، اشخاص حقوقی حقوق عمومی بدون شک، جز در صورتی که طرفین صراحتا به نحو دیگری توافق کرده باشند، می توانند، مستقل از ممنوعیت‌های داخلی، با ابراز رضایت خود بر داوری توافق نمایند و در بازار بین‌المللی در شرایط مشترک نسبت به همه عاملان سهیم شوند.»[1]

1. See Tunisia, Court of First Islance of Tunis, 22 March 1976, Societe Tunisienne d'Electricite et le Guz (STEG) v Societe Entropse (France), ill Yerba Buena Center for the Arts 283 (1978)

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

تصمیم دادگاه ایتالیا را می‌توان پیشرفته‌ترین موضع در این حوزه دانست و مفهوم اهلیت بین‌المللی که در آن مطرح شده برای اختلافات تجاری بین‌المللی بسیار مناسب است. به رغم این دیدگاه جدید، طرف‌های دولتی همچنان در برخی نواحی دنیا می‌توانند با موفقیت با استناد به فقدان اهلیت انعقاد موافقت نامه داوری مانع اجرای رأی شوند.[1]

اهلیت یک طرف برای انعقاد موافقت‌نامه داوری ممکن است با لزوم اخذ مجوزهای ویژه برای معاملات تجاری خارجی با فقدان اختیار شخص امضاکننده موافقتنامه داوری هم محدود شود.[2]

۲-۱-۵) عدم اعتبار

دفاع عدم اعتبار موافقت‌نامه موجب پیدایش رویه قضایی قابل توجهی شده است. در مواردی که موافقتنامه داوری مبهم بوده یا به نحو معتبر امضا نشده از اجرای رأی خودداری شده است. با آن که روشن است که اعتبار ماهوی باید مطابق قانون منتخب طرفین یا در صورت عدم انتخاب، مطابق قانون محل داوری مشخص شود، دیدگاههای مختلفی در مورد شرایط شکلی ذی ربط وجود دارد.[3]

مویدی بر این دیدگاه وجود دارد که اشاره شق الف بند ۱ ماده ۵ به "موافقتنامه مذکور در ماده ۲" لازم می‌دارد که اعتبار شکلی که غالبا ارتباط جدایی‌ناپذیری با مسئله رضایت دارد، بر اساس ماده ۲ مشخص شود. در مواردی که تقاضای شناسایی رأی بر اساس کنوانسیون نیویورک به عمل آمده است استناد به شرایط شکلی مساعدتر ملی منتفی است. بنابراین فقط در صورتی می‌توان به این شرایط استناد جست که تقاضای اجرای رأی مطابق رژیم ملی مساعدتر صورت گرفته باشد.[4]

دیدگاه دیگر این است که اعتبار شکلی تابع قانون منتخب طرفین با قانون محل داوری است. اشاره ای به ماده ۲ توصیف زاید و اضافی موافقتنامه داوری دانسته شده است. مزیت این دیدگاه در این است که شرایط شکلی که سهلتر از ماده ۲ است می‌تواند در چارچوب کنوانسیون مورد توجه قرار گیرد. ماده ۲ فقط حاوی ضابطه‌ای حداکثری است که قانون‌گذار ملی نمی‌تواند از آن عبور کند. تفاوت دیدگاه‌ها تأثیر زیادی بر اعتبار موافقت‌نامه‌های داوری مندرج در تأییدیه‌ها دارد. این موافقتنامه‌ها از نظر شکلی مطابق ماده ۲ معتبر نیستند بلکه بر اساس بسیاری از قوانین ملی اعتبار دارند.

---

1. See Italy, Core de cassazione, 9 March 1996, no 4342, Societe Arabe les Engravis Piosp/ites et Azotes - SAEPA (Tunisia) and Societe Industrielle d'Acide Phosphorique et d'Engrais - SIAPE |(Turnisia) v Cerructico srt (Italy), Yerba Buena Center for the Arts737 (1997) 742.

2. See ICC cause no 6850, Yerba Buena Center for the Arts37 (1998); Court of Cassition Dubai, 25 June 1994, 11 ALR N-62 (1998).

3. Corte di Appello Florence, 27 January 1988, Easter Mediterrulet/ Marifine Lil SpA Cerealtoscania, Yerba Buena Center for the Arts 496 (1990)

۴. حبیبی مجنده، پیشین، ص ۷۰۶

5. Enforcement of Foreign Arbitral Awards in Germany",5 In ALR 160 (2002) 166; Fouichard Guillard Goldman on International Commercial Arbitration, para 271; Oberlandesgericht Dresden. 12January 1999, 11 Sch 6/98, unreported

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

۲-۵) نقض تشریفات قانونی دادرسی

مطابق شق (ب) بند ۱ ماده ۵، یکی از مواردی که ممکن است از شناسایی و اجرای رأی خودداری شود جایی است که طرف مخالف اجرا دلیلی ارائه دهد که: «... به طور صحیح از تعیین داور یا جریان رسیدگی داوری مطلع نشده یا به علتی دیگر قادر به ارائه مواضع خود نبوده است. تأکید افزوده شده.»

این دفاع به تشریفات قانونی دادرسی عادلانه مربوط می‌شود و بند یاد شده در کنوانسیون به طور خاص حق بر استماع دیدگاه‌ها را منظور می‌کند. علت و فلسفه این دفاع این است که اطمینان حاصل شود برخی ضوابط دادرسی منصفانه توسط هیئت داوری رعایت شود. در این قسمت از ماده ۵ دو جنبه از دادرسی منصفانه پیش‌بینی شده است: اول این که باید اطلاع درست و صحیح داده شود؛ دوم، هر یک از طرفین باید قادر باشد ادعاها و مواضع خود را ارائه دهد. کنوانسیون در خصوص معیار انصاف به اندازه کافی به جزئیات پرداخته است؛ ظاهرهٔ، رعایت ضوابط مقرر در قانون منتخب طرفین برای حکومت بر داوری یا قانون محل داوری کفایت خواهد کرد. اما این دیدگاه هم که ماده ۵ (۱) (ب) قاعده‌ای واقع بین‌المللی است متقاعدکننده است. در نهایت مسئله نقض تشریفات قانونی یک امر موضوعی است که طرفین بایستی اثبات کنند.[1]

۱-۲-۵) اطلاع صحیح

اطلاع صحیح همواره باید به طرفین داده شود. عدم اطلاع صحیح شامل فقدان اطلاع یا وصول اطلاعیه بعد از صدور رأی می‌شود. این موارد به ندرت اتفاق می‌افتند. اطلاع با فاصله زمانی کوتاه معمولا شرط اطلاع صحیح را نقض نمی‌کند چون در برخی صنایع و بخش‌های تجاری متداول است.[2]

مهمترین موضوع این است که آیا اطلاع دادن به موقع و مناسب بوده است یا خیر، البته اغلب لازم می آید تفسیری باز و سهل‌گیرانه از قانون ملی به عمل آید. در پرونده‌ای نزد دادگاه استیناف مکزیک نظر داده شد که شرط قانون مکزیک اسقاط شده بود چون طرفین خیر. داوری را برگزیده بودند. رأی قابل اجراست، چون طرفین از شرایط مقرر در قواعد داوری حاکم تبعیت کرده‌اند. برای جلوگیری از این اعتراض که نامه‌ای دریافت نشده بایستی مکاتبات مهمی با پست یا پیک سفارشی با قبض رسید صورت بگیرد.

نه فقط مطلع ساختن از جریان رسیدگی بلکه سایر اطلاع‌ها دادن‌ها، مانند افشای اسامی داوران، هم باید مناسب و درست باشد. در موردی استثنایی، دادگاه استیناف آلمان در کولونی از اجرای رأی صادره بر

---

1. See van den Berg, New York Convention, 298, with reference to case law in footnote 186

2. See, ep, Sesotris SAEy Transporters Naiales, 727 F Supp 737, Yerba Buena Center for the Arts 640 (1991) (District Court, D Mass, 1989); Bayerisches Oberlandlesgericht, 16 March 2000), RPS 22000, Beilage 12 zu Heft 50 BetriebsBerater 15 (2000),

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

اساس قواعد داوری کمیته کپنهاگی برای تجارت غلات و مواد غذایی که اجازه عدم افشای اسامی داوران را میداد امتناع ورزید.[1]

۲-۲-۵) عدم وجود فرصت کافی برای دفاع

این دفاع به طور روشن در تصمیمی از دادگاه استیناف ایالات‌متحده تعریف شده است. این دادگاه نظر داده است که این دفاع: «. . . اساسا با این دفاع مربوط به تشریفات قانونی دادرسی مطابقت می‌کند که فرصت استماع در زمان معنادار و به شیوه معنادار به یک طرف داده نشده است. . . . بنابراین، در صورتی که طرف اعتراض‌کننده به رأی اثبات کند که فرصت معناداری برای استماع به نحوی که رویه مربوط به دادرسی منصفانه تبیین می‌کند به وی داده نشده است باید رأی داوری رد یا لغو شود . . .» روشن است که داور باید استماعی اساسا عادلانه فراهم آورد. . . . . استماع اساسا عادلانه استماعی است که شرایط حداقلی انصاف – اطلاع کافی، استماع ادله، و تصمیم بی طرفانه داور را تأمین نماید.

ضوابط منصفانه بودن رسیدگی در سایر پرونده‌های امریکایی مورد بحث قرار گرفته است. معمولا به ضوابط قانون ملی در خصوص بی طرفانه و مستقل بودن هیئت داوری اشاره شده است. برخی قوانین ملی فرصت کامل به طرفین جهت ارائه پرونده و مواضع خود می‌دهند؛ قوانین دیگر فرصتی معقول را لازم می‌شمارند.

موضوعات خاصی که می‌تواند به عنوان دلیلی برای اعتراض به رأی مطرح شود شامل موارد ذیل است: این که یک طرف قادر نبوده است در اخذ ادله با جریان کشف ادله مشارکت کند، این که یک طرف از حق ارائه برخی ادله، با اظهار نظر در مورد گزارش کارشناسی تسلیم شده به هیئت داوری محروم شده است، یا ضوابط رسیدگی ترافعی که هیئت داوری اتخاذ کرده یک طرف را از حق بنیادی وی به دفاع محروم ساخته است. البته فقط لازم است هیئت داوری به طرفین فرصت دهد پرونده خود را ارائه نمایند. این که یک طرف در واقع از این فرصت استفاده می‌کند یا نمی‌کند یا به چه شیوه‌ای استفاده می‌کند، معمولا لطمه‌ای به قابل اجرا بودن رأی وارد نمی‌آورد.

نکته ضروری این است که تکلیفی بر عهده طرفین وجود دارد تا فوراً مخالفت و اعتراض کنند؛ یعنی در صورتی که واقعیات ذیربط بر طرف اعتراض‌کننده معلوم باشد اعتراض باید نخست در خلال جریان داوری طرح شود. در غیر این صورت، طرف مزبور ممکن است از طرح اعتراض نزد دادگاه اجراکننده منع شود چرا که این کار به هدف کنوانسیون نیویورک لطمه می‌زند.

1. See Oberlandesgericht Cologne, 10 June 1976, Converter Ivy em Bitcoin Atom, 258 (1979)

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

نتیجه‌گیری

ماحصل فرآیند داوری، رأیی است که گرایش قانون‌گذار داخلی و مراجع بین‌المللی بر ثبات و اعتبار بخشی به آن می‌باشد، به همین لحاظ اصل بر قطعیت آراء داوری، شناسایی و اعتبار آنهاست لیکن با توجه به پیچیدگی اختلافات تجاری بویژه بین‌المللی، تعدد مقررات شکلی و ماهوی حاکم بر موضوع اختلاف، نسبی بودن تخصص داوران در زمینه‌های حقوقی در جهت احترام به حقوق طرفین، روش‌هایی برای مقابله با آراء ناعادلانه پیش‌بینی شده است که محدود و منحصر به موارد خاصی است و به عنوان استثنایی بر اصل صحت و قطعی بودن آراء داوری در نظر گرفته شده‌اند.

از آنجا که نگرش کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ به آراء داوری از استقبال عمومی کشورها برخوردار گردید. قانون نمونه آنسیترال نیز برای بهره‌مندی از این مزایا تلاش نموده است در زمینه برخورد با آراء داوری باکنوانسیون مزبور هماهنگ و همسو باشد. قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران نیز بسیاری از مقررات خود را از قانون نمونه آنسیترال اقتباس نموده است. بنابراین نوعی وحدت حقوقی بین مقررات بین‌المللی و حقوق بین‌المللی خصوصی (تعارض قوانین) ایران در زمینه اعتباربخشی به آراء داوری و محدود نمودن طرق اعتراض به آنها وجود دارد. لیکن متاسفانه بین مقررات داخلی و رویه قضایی دادرسان حاکم با تفکر حاکم بر مقررات فوق هماهنگی وجود ندارد.

در داوری هنگامی‌که رأی صادر و قطعی می‌شود، محکوم‌له باید مطمئن باشد که حقی یا نفعی برای او محقق شده و محکوم‌علیه نیز باید یقین داشته باشد که ملزم به پرداخت یا ایفای محکوم به شده است و قطعاً باید این محکومیت را پذیرفته و به آن عمل نماید. هیچ‌یک از طرفین نباید نسبت به رأی صادره احساس تزلزل و تردید داشته باشند. به بیان دیگر، طرفین به‌هیچ‌وجه نباید نگران تجدیدنظر، تغییر یا ابطال این رأی، نه تنها در کشور محل صدور، بلکه در هر کشور دیگری (محل اجرا) باشند. این‌ها نتیجه رأی قطعی و لازم‌الاجراست که در واقع ایجادکننده اطمینان از رأی است. رأی داوری که در دادگاه صالح باطل شده است نیز باید واجد این ویژگی‌ها باشد. اگر اعتمادی به ابطال رأی داوری نباشد محکوم‌له فرضی، رأی را از کشوری به کشور دیگر که ابطال آن را به‌رسمیت نمی‌شناسد خواهد برد و محکوم‌علیه فرضی نیز به‌دنبال آن خواهد بود تا در آن کشور دفاع نماید که رأیی وجود ندارد زیرا این رأی باطل شده است.

اگرچه عدم توجه کشورهای شناسایی یا اجراکننده رأی به ابطال رأی در دادگاه مقر داوری، ممکن است خوشایند منتفعان از رأی باشد و در آن‌ها نسبت به داوری اطمینان بیشتری ایجاد کند، با اراده اولیه طرفین داوری از یک سو و نیازهای تجارت بین‌الملل از سوی دیگر تعارض دارد. در واقع با انتخاب مستقیم یا غیرمستقیم مقر داوری توسط طرفین موافقت‌نامه داوری، آن‌ها نظام حقوقی کشور مزبور، ازجمله نظام کنترل قضایی روند داوری توسط (دادگاه‌های) آن کشور را بر داوری خود حاکم می‌نمایند. لزوم احترام

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

(و تبعیت) از اراده طرفین، مستلزم عدم‌شناسایی و اجرای رأیی است که توسط دادگاه مقر داوری ابطال شده است. همچنین ابطال رأی درصورتی‌که مورد پذیرش کشورها قرار گیرد، به طرفین رأی داوری اطمینان خواهد داد که یا رأیِ صحیح و معتبری دارند که در همه کشورهای عضو عهدنامه نیویورک قابل‌اجراست یا رأیی باطل‌شده دارند که در هیچ‌یک از کشورهای عضو عهدنامه، قابلیت اجرا ندارد و باید در صورت تمایل در صدد اقامه دعوا در دادگاه یا در دیوان داوری جدیدی باشند. با ابطال رأی در دادگاه مقر داوری، در واقع داوری برگزارشده بین طرفین باطل می‌شود؛ درست مثل اینکه داوری بین طرفین وجود نداشته یا به‌عبارتی داوری برگزار نشده است. طرفین ضمن حصول اطمینان از موضوع، چنانکه نگران این باشند که صحت و اعتبار یک رأی، شرط ابتدایی اجرای آن است که در مورد رأی باطل وجود ندارد تا تقاضای اجرای آن امکان‌پذیر باشد. اساساً رأیی که باطل شده است، دیگر از لحاظ حقوقی رأی نیست و نمی‌تواند در کشور دیگری اعتبار پیدا نماید.

شمار معدودی از کشورها معتقدند عهدنامه نیویورک در شق «هـ» بند ۱ ماده ۵ ابطال رأی داوری توسط مرجع صلاحیت‌دار را از جمله دلایلی می‌داند که «ممکن است» دادگاه با توجه به آن‌ها از صدور دستور شناسایی و اجرای رأی خودداری نماید. با وجود این، دادگاه را «ملزم» به رد شناسایی و اجرای رأی نکرده است. به همین دلیل دادگاه‌های برخی از کشورهای عضو عهدنامه (مانند آمریکا)، شناسایی و اجرای رأی داوری باطل‌شده را در مواردی خاص و به‌صورت کاملاً استثنایی (مانند مستقل‌نبودن قاضی ابطال‌کننده رأی داوری) ممکن دانسته‌اند اما تاکنون دادگاه‌های مزبور علی‌رغم بیان استدلال مزبور، این شرایط استثنایی را احراز ننموده و در نتیجه هیچ رأی باطل‌شده‌ای بر مبنای این استدلال (یعنی استناد به «قدرت اختیاری مازاد» مندرج در صدر بند ۱ ماده ۵) اجرا نشده است. با توجه به اینکه پس از ابطال رأی داوری، دیگر رأیی وجود ندارد تا مورد شناسایی و اجرا قرار گیرد، باید معتقد به فقدان اختیار دادگاه در شناسایی و اجرای آرای داوری باطل‌شده بود و از این اختیار باید در رابطه با سایر دلایل رد شناسایی و اجرا مانند نقض محدود و جزئی قانون داوری استفاده کرد.

استدلال دیگری که توانسته است به‌طور نسبی در برخی از کشورهای عضو عهدنامه منجر به شناسایی و اجرای آرای داوری باطل‌شده شود، اعمال قانون مطلوب‌تر داخلی با استناد به بند ۱ ماده ۷ عهدنامه نیویورک است که امکان بهره‌مندی طرف ذی‌نفع را از هر حقی که ممکن است برای استفاده از رأی داوری به روش و در حد مجاز در قوانین یا معاهدات کشوری که در آن به رأی استناد می‌شود، فراهم آورده است.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

فهرست منابع و مآخذ

ـ جنیدی، لعیا، نقد و بررسی تطبیقی قانون داوری تجاری بین‌المللی، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸.

ـ انصاری، دکتر باقر، درآمدی بر مکانیزم‌های حل‌وفصل اختلافت تجاری بین‌المللی، مجله حوزه ودانشگاه، سال ۱۱ شماره ۴۴، ص ۱۳۸۴.

ـ حبیبی‌مجنده، محمد، داوری تجاری بین‌المللی تطبیقی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه مفید، ۱۳۹۱.

ـ خزایی، حسین، شناسایی و اجرای احکام داوری بین‌المللی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۳۹، ۱۳۷۷.

ـ جنیدی، لعیا، کنوانسیون نیویورک و رژیم اجرای آن، فصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۲، شماره ۱، ۱۳۹۰.

__ See, e,g, lamm and Hellbeck, The Enforcement of Foreign Arbitral Awardls under the NewYork Convention: Recent Developments", international arbitration (2002) 138

__ Van den Berg, "The New York Convention: lis intended Effects. Its Interpretation, Salient !Are" in Blessing, The New York Convention of 1958, Swiss Arbitration Association Special Series, no 9 (1996), p 25

__ Kerr, "Concord and Conflict in International Arbitration", international arbitration (1997), p 129

__ See de Boisson. "Entonenient in Action: Hauntonization Versus Unification", Illinois Chess Coaches Association Cless Series 109. (1987) 593

__ Mark Dallal Islamic Republic of Iran, and, Bank Mellat (formerly International Bank of Iran), Case No. 149 : Award No. 53-149-1 of 10 1986, NO1, pp 547,553

__ Kill , " Recognition and Enforcel) Merit of Freigin Arbitral Awards in Genriiuty ". International Arbitration Law Review, 160 (2002), p 161

__ Eiler. The Present status of the International Court of Arbitration in the ICC: An Appraisal, Rey International Arbitration Law Review, 91 (1990), 119.

__ Mustill, "Arbitration: History and Backgroundinternational Arbitration No 43, (1989), p 49.

__ van den Berg," The New York Convention: Its Intended Effects, Its Interpretation, Salient Problem Areas", The New York Convention of 1958, A Collection of Reports and Materials Delivered at the ASA Conferences.

__ Held in Zurich on 2 February 1996 , (ASA) Swiss Arbitration AssociationSpecial Series(1996), No. 9, p 25

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

__ Maischer , " Experience with Bilateral Treaties " , International Congress and Convention Association Congress Series no. See. 47. 452 ,9

__ Organization for the harmonization of business law in africa. See also www. ohada. com; mayer, ORGANIZATION FOR THE HARMONIZATION OF BUSINESS LAW IN AFRICA: droit larbirage (Bruyant 2002), 221 et seq

__ Craig, "Some Trends and Developments in the Law and Practice of International Commercial Arbitration", 30 Texas Int'l LJI (1995),9

__ Hong Kong , supreme Court, 13 july 1994, China National Oil Joint service, International Commercial Arbitration, 2005, p 671.

__ See Hong Kong, Supreine Court , 13 July 1994 , Childa Nitional Oil Joint Service Corp. 96.

__ Holdings Co Ltd, (195) Yerba Buena Center for the Arts 671,677. Grininy, Binstrichiuslil 2 N\cuiller 20)()(), ZIP 227((2000) 2271.

__ See Tunisia, Court of First Islance of Tunis, 22 March 1976, Societe Tunisienne d'Electricite et le.

__ Guz (STEG) v Societe Entropse (France), ill Yerba Buena Center for the Arts 283 (1978).

__ See Italy, Core de cassazione, 9 March 1996, no 4342, Societe Arabe les Engravis Piosp/ites et.

__ Azotes - SAEPA (Tunisia) and Societe Industrielle d'Acide Phosphorique et d'Engrais - SIAPE |(Turnisia) v Cerructico srt (Italy), Yerba Buena Center for the Arts737 (1997) 742.

__ See ICC cause no 6850, Yerba Buena Center for the Arts37 (1998); Court of Cassition Dubai, 25 June 1994, 11 ALR N-62 (1998).

__ Corte di Appello Florence, 27 January 1988, Easter Mediterrulet/ Marifine Lil SpA Cerealtoscania, Yerba Buena Center for the Arts 496 (1990).

__ Enforcement of Foreign Arbitral Awards in Germany",5 In ALR 160 (2002) 166; Fouichard Guillard Goldman on International Commercial Arbitration, para 271; Oberlandesgericht Dresden. 12January 1999, 11 Sch 6/98, unreported.

__ See van den Berg, New York Convention, 298, with reference to case law in footnote 186.

__ See, ep, Sesotris SAEy Transporters Naiales, 727 F Supp 737, Yerba Buena Center for the Arts 640 (1991) (District Court, D Mass, 1989); Bayerisches Oberlandlesgericht, 16 March 2000), RPS 22000, Beilage 12 zu Heft 50 BetriebsBerater 15 (2000).

__ See Oberlandesgericht Cologne, 10 June 1976, Converter Ivy em Bitcoin Atom, 258 (1979)

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]